

## پسری که خلف آن پدر است

انگلیس‌ها آن وقت رضا خان را آوردند و کودتا درست کردند و مسلط کردند رضا خان را بر ملت. مأمور اجرای مقاصد اجانب بود او. از آن طرف، اجرای مقاصد آن‌ها را می‌دید موقوف است به این که طبقه روشنفکر، طبقه علما، طبقه متدینین، این‌ها را بکوبد و از بین ببرد؛ از آن طرف هم چون آن منافع موقوف به این بود، عمل کرد به این کار [تا] منافع را به جیب آنها بریزد و خدا می‌داند که ما چه مصیبت‌ها در زمان آن پدر کشیدیم؛ و همه مان هم که الآن مشترکیم در این که در زمان این پسری که خلف آن پدر است. این حقاً پسر رضا خان است، یعنی همه خاصیت‌های فسادى که در پدر بود در این هم هست به اضافه يك چیزهای دیگر، به اضافه سالوسى... رضا خان دیگر خودش را نمی‌چسباند به اسلام و به قرآن و به احکام مبین اسلام؛ دیگر ریاکاری نمی‌کرد. سرنیزه بود و می‌زد و می‌رفت.

